

ویژه نامه سیام تیر ماه روز درخشان پیروزی ملت

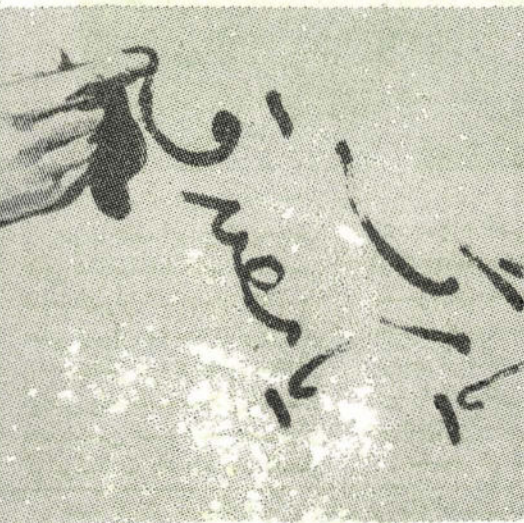


پیکار سیام تیر ماه، در جابجا کردن نیروهای سیاسی خلاصه نمی شد

در پرتو اتحاد، ملت بپا خاسته پیروز گردید.

دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ در دست دکتر محمد مصدق نهاده شد. با اینکه پیش نهاد نخست وزیری وی بگونه یک نیرنگ سیاسی میان آمده بود، اما هشیاری و زمان شناسی بقیه در صفحه سوم

بدنبال مبارزات پیگیر ملت برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادیهای فردی و اجتماعی، برغم خوارنمای دستگاه دست نشانده استعمار و گروه های وابسته حکومتی، زمام امور کشور جنگ زده و در هم ریخته ایران



سی تیر

برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد

ناگهان بانگ رعدی در تاریخ ما فرو پیچید، بانگ سی تیر. این بانگ بلند از سینه مردم رنج دیده ایران برخاست و هر آواز دشمن را فرو کشت. مردمی که قرن ها عذاب استعمار و استبداد وابسته به آن را چشیده بودند، چنان خروشیدند، که کاخ و بارگاه فرعونیان لرزید، و پایه های تخت و بخت دژ خیم به پیچ و تاب افتاد.

سی تیر، آوای توفانی مردم برپا خاسته ای است که نمی خواستند، ثروت و عزت خود را لگد کوب استعمار و استبداد به بینند.

سی تیر قامت برافراشته ملتی است که حیات و قدرت و هشیاری خود را به همه تاریخ اعلام داشت.

سی تیر، صاعقه ای است که یکبار بر کوه و دشت ایران دمید و فضای وطن را برافروخت و در جانهای آزادگان روشنی آورد. سی تیر، بانگ انتقام و فریاد درد آلود ملتی است که هستی خود را می خواست و خویشتن خود را می جست.

سی تیر، جوشش نیروی نهفته ملتی است که خس و خاشاک می رود و زندگی و عشق می آفریند.

در سی تیر، مردم ستم رسیده ای که از ستمها به جان آمده بودند، بر ستمگران غریب کشیدند، غریب آنچنان، بلند و دشمن کوب، که هیچ ستمگر تاب ایستادگی نیاورد.

در سی تیر، مردم غارت شده ای، که یغمای هستی خود را سالها برابر چشم دیده بودند بیکبار بر یغماگران نهیب زدند، چنان نهیب هراس انگیزی که هر یغماگر اندیشه یغما از سر بنهاد. در سی تیر، مردم آزاده ای که شکستن حرمت آزادی را سالها دریافته بودند، بر پاسداری از آزادی، فریاد زدند، فریادی آنچنان توفان زا، که هر بی فضیلتی را فرو کوفت.

در سی تیر وطن دوستان سختی کشیده ای که سالها مهر وطن را در سینه پر درد پرورده بودند، بر خصم وطن تاختند و آن را به زبونی کشیدند.

سی تیر، یک روز یک قیام، یک حماسه، ویا یک هیجان نیست، سی تیر یک میعاد و یک میلاد است.

ملت ایران در سی تیر با تاریخ دیدار کرد و دوباره زاده شد. ملت ایران در روز قبل از سی تیر، همان نبود که در فردای سی تیر.

ملت ایران در فراز و نشیب تاریخ بلند خود، بارها با تاریخ وعده دیدار داشته و بارها از درون خویش، هستی تازه ای به در کشیده است، ولی سی تیر، از درخشنده ترین میلادهای ملت ما است.

ملت ایران بارها با تاریخ رو در رو نشسته و تاریخ را به محاکمات خوانده است ولی در سی تیر، ملت ما، به رام کردن تاریخ ایستاد.

بقیه در صفحه دوم

گزارشی از رویدادهای سی تیر ملت چگونه پیروز شد

شنبه ۱۴ تیرماه استعفا نمود ولی روز یکشنبه ۱۵ تیرماه مجلس شورای ملی با رای به نخست وزیری دوباره دکتر مصدق «ابراز تمایل» کرد و در مجلس سنا هم که ابتدا از اظهار نظر خودداری میشد سرانجام در روز چهارشنبه ۱۸ تیرماه با رای به دکتر مصدق «ابراز تمایل» شد و روز شنبه ۲۱ تیرماه فرمان نخست وزیری بنام او انتشار یافت. بقیه در صفحه ششم

روز «سی تیر» هزار و سیصد و سی و یک روز پیروزی ملت بر دست نشانده بیگانه بدنبال یک سلسله جریانهای سیاسی بوجود آمد. دکتر مصدق رهبر نهضت ملی قدم بقدم بسوی پیروزی قطعی پیش میرفت ولی «هیات حاکمه وابسته به استعمار» با اینکه کرسی نخست وزیری را از دست داده بود به پشتیبانی استعمارگران دست از توطئه و اخلال برنمیداشت و چون دکتر مصدق برای جلوگیری از فترت دستور انجام انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی را داد دسیسه و تقلب در این کار آغاز شد به نحوی که ناچار دولت جریان آترا نیمه تمام گذاشت.

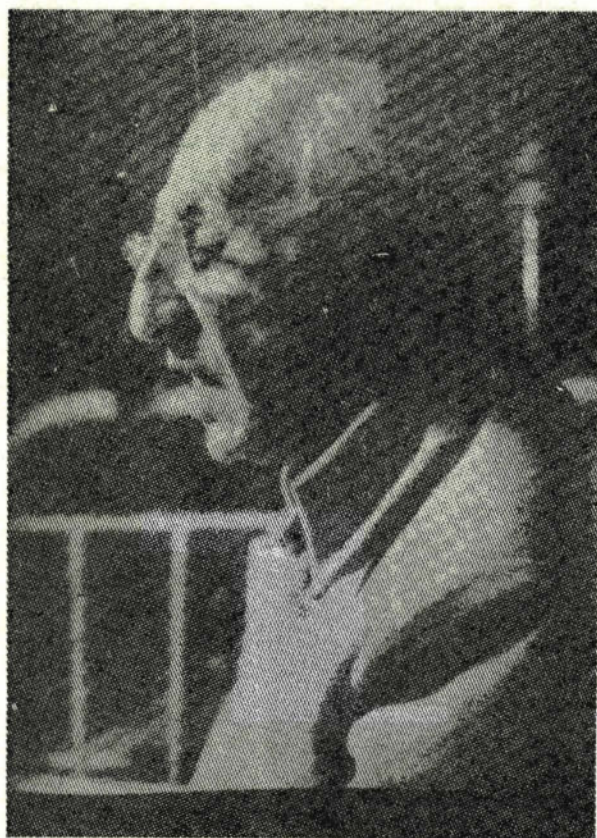
مجلس هفدهم روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ با شرکت هفتاد و پنج نماینده انتخاب شده افتتاح گشت ولی کشمکش بر سر تصویب اعتبارنامه ها و انتخاب رئیس مانع آمادگی مجلس برای کار بود و نخست وزیر که برای دفاع از حقوق ملت عازم شرکت در «دیوان دادگستری بین المللی لاهه» بود ناگزیر به سنتی که بنا بر آن در آغاز کار هر دوره مجلس دولت می بایست استعفا کند عمل نکرد و در روز چهارشنبه ۷ خرداد عازم لاهه شد و با امید کامل به اینکه رای دیوان به نفع ایران خواهد بود روز چهارشنبه ۴ تیرماه در میان استقبال کم نظیر مردم به تهران بازگشت.

روز سه شنبه ۱۰ تیرماه امامی، «امام جمعه تهران» با سی و نه رای به ریاست مجلس انتخاب شد و دکتر عبدالله مغظمی که کاندیدای هواداران نهضت ملی بود بیش از سی و پنج رای برای این سمت بدست نیاورد. چون مجلس شورای ملی بدینگونه آماده کار شده بود دکتر مصدق روز

در سایر صفحات

- * واقعیت و تعهد
- * سندهای زنده ای از قیام ملی سیام تیر
- * خاطره های گوناگون
- * رپرتاژی از میدان جنگ تهران
- * مقاله دکتر فاطمی
- * گزارشی از قیام ملی سیام تیر در چند شهرستان
- * بازسازی مزار شهیدان سی تیر
- * مصدق بموجب رفراندوم ملت ایران زمامدار شد
- * یک مقاله از روزنامه ارگان حزب

پیام مصدق بمناسبت سالروز قیام ملی سیام تیر



دکتر مصدق بهنگام ایراد پیام در نخستین سالروز قیام ملی سیام تیر

هموطنان عزیزم:

به مناسبت تصادف با روز سیام تیر به یادبود شهیدانی که جان خود را در راه استقلال و عظمت کشور فدا کرده اند مراسمی برپا خواهید کرد که هم مراتب تکریم و احترام قلبی بقیه در صفحه هشتم

گرامی باد، یاد شهیدان قیام ملی سیام تیر

ملت چگونه پیروز شد

دکتر مصدق چون از نقشه‌هایی که برای مخالفت با او در هر دو مجلس وجود داشت آگاه بود خواستار «اختیارات خاص» شد و از این گذشته برای جلوگیری از دست‌اندازی ارتش در کار دولت، روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه در طی یک دیدار سه ساعته با شاه در پیرامون چگونگی تشکیل کابینه اظهار داشت که در نظر دارد پست وزارت جنگ را خود به عهده بگیرد چون با این خواست قانونی او موافقت نشد از پذیرش نخست‌وزیری عذر خواست و از اینجا بحرانی آغاز شد که پس از چند روز کشمکش با قیام ملی سی‌تیر به پیروزی رهبر نهضت ملی انجامید.

روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه

بامداد این روز دکتر مصدق استعفای کتبی خود را از نخست‌وزیری برای شاه فرستاد و نزدیک ظهر حسین علاء وزیر دربار به دیدار رئیس مجلس رفت و خواست به نخست‌وزیری شخصی دیگری «رای تمایل» گرفته شود و با زمینه‌سازی‌هایی که از قبل بعمل آمده بود چهل و دو نفر از نمایندگان در تالار جلسه علنی حضور یافتند و با چهل رای به نخست‌وزیری احمد قوام «ایران تمایل» کردند در همین حال بیست و هشت تن از نمایندگان به هواداری دکتر مصدق از شرکت در جلسه رای‌گیری خودداری و اعلامیه زیر را صادر نمودند:

«ما امضاء کنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورای ملی در تأکید سؤگندی که برای حفظ میثاق مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرده‌ایم و بیعت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد می‌شویم باتمام قوای خود و با کلیه وساتل از دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم.»

صدور همین اعلامیه نخستین قدم در راه تشکیل «فراکسیون نهضت ملی» بود.

آیتالله کاشانی هم که با وجود داشتن سمت نمایندگی، در مجلس حضور نمی‌یافت. اعلامیه بسیار تندی به هواداری دکتر مصدق داد و حزبهای ملی نیز هر کدام اعلامیه جداگانه‌ای دادند و بازار به صورت تعطیل درآمد و نزدیک غروب نمایندگان هوادار دکتر مصدق که تعداد آنها به سی نفر رسیده بود در مجلس تحصن اختیار کردند.

شروع به کار کنیم. وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه‌ی من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند و یا نظم عمومی را برهم زنند. اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان دادم بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کسبفره اعمالشان را در کنارشان می‌گذارم و حتی ممکن است تاجانی روم که با تصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صدها تبهکار را از هر طبقه بموجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیرمروزی سازم به عموم اخطار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرارسیده است. کشتیبان راسیاستی دگر آمد.»

روز شنبه ۲۸ تیرماه

سفیر انگلستان از تغییر دولت ایران خوشحالی کرد و سفیر آمریکا به دیدار قوام رفت و بدینگونه استعمارگران پشتیبانی خود را از نخست‌وزیری شخصی که برخلاف خواست مردم روی کار آمده بود آشکار کردند.

نیروهای انتظامی برای جلوگیری از فعالیت حزبها و جمعیت‌های ملی دفترها و گلوبهای آنها را محاصره کردند و بعضی از نمایندگان مجلس در محل حزبهائی که عضویت آنها داشتند ساکن شدند تا با استفاده از مصونیت پارلمانی از اشغال آن جلوگیری کنند.

قوام با اینکه هنوز کابینه خود را معرفی نکرده بود شورای امنیت کشور را با شرکت رئیس ستاد ارتش، فرمانده ژاندارمری و رئیس شهرتانی تشکیل و دستورهای تندی برای جلوگیری از تظاهرات مردم داد. نمایندگان هوادار نهضت ملی که با گسترش ایستادگی مردم بر تعداد آنها افزوده میشد اعلام تعطیل عمومی در سراسر کشور نمودند و آیتالله کاشانی نیز در طی پیامی از افسران و سربازان خواست که بروی برادران خود تیراندازی نکنند.

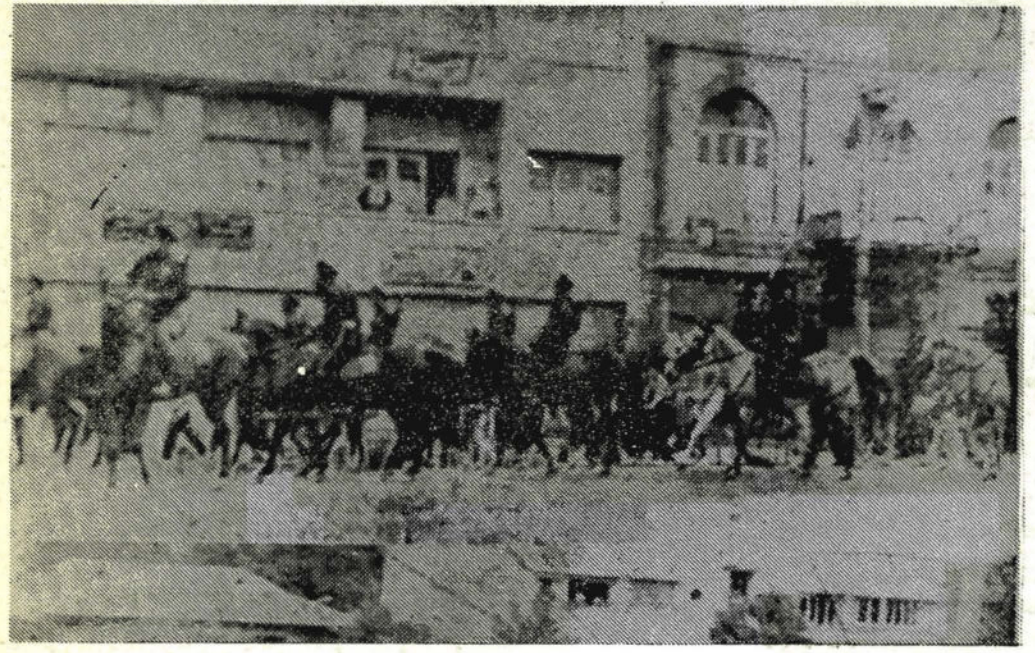
کار افتاد، مردم در گوشه و کنار شهر با پلیس و سرباز برخوردانی داشتند و در بعضی نقاط سخنرانان سعی میکردند نیروهای انتظامی را که گرسنه و خسته بودند به نفع مردم برانگیزند. حزب توده و سازمانهای علنی وابسته بدان اعلامیه‌هایی صادر کردند و در عین حمله به دکتر مصدق خواستار برکناری قوام و برقراری آزادیهای دموکراتیک شدند.

اداره تظاهرات مردم بیشتر به عهده اعضای حزبها و جمعیتهای وابسته به نهضت ملی یعنی حزب ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم، جمعیت مسلمانان مجاهد و بعضی دسته‌های کوچک دیگر بود. محل روزنامه‌های مخالف نهضت ملی مورد حمله مردم قرار گرفت ولی با وجود تعطیل چاپخانه‌ها و کنترل شدید روزنامه‌ها ارگان حزبهائی ملی با فداکاری کارگران انتشار یافت و از جمله روزنامه آپادانا ارگان حزب ملت ایران چند بار تجدید چاپ و در سراسر شهر پخش گردید.

عنوان سرمقاله روزنامه آپادانا «گلوله... گلوله... گلوله... این است هدیه ملت ایران به قوام‌السلطنه جنایتکار و دزد» بصورت شعاع در تظاهرات مردم بکار برده میشد. در این سرمقاله نوشته شده بود «حزب ملت ایران بسر بنیاد پان‌ایرانیسم، حزب پرافتخاریکه از آغاز رستاخیز ملی کردن نفت همه جا پیشگام رزمجویان ضد استعمار بوده با صدای بلند اعلام میکند که در این مرحله مبارزاتی هیچکس شایسته‌تر از دکتر مصدق برای نخست‌وزیری نیست و به هیچوجه زیر بار حکومت سیاه قوام‌السلطنه نخواهد رفت.

و اعلام کرد که مبارزه بی‌امانی را برای ریشه‌کن کردن هیئت حاکمه آغاز کرده و با سیل خون این ننگ را از دامان تاریخ ایران می‌شوئیم. در این مقاله هم‌چنین اعلام شد: «زنان و مردان ایران در هر کجا که هستید با همه نیرو به ضد حکومت ننگین قوام‌السلطنه برخیزید. از سرنیزه‌ها و تانکها سست بنیاد هیات حاکمه نهراسید سینه‌های خود را سپر گلوله سازید دست‌های توانای خود را بر سر نیزه‌ها فرود آرید تا آتش انقلاب زبانه کشد و خرمن هستی دشمنان ایران را بسوزاند...»

صحنه‌هایی از درگیری مردم با نیروهای ارتش و شهرتانی در روز سی‌تیر ۱۳۳۱ در میدان بهارستان



گردد ولی مردم با شور و هیجان خود را آماده تظاهرات بعدی می‌نمودند و نسبت به دستور «کمیته تمرکز مبارزات ملی» در مورد بکار بردن روشهای مبارزه منفی هم بی‌اعتنائی نشان میدادند. روز دوشنبه ۳۰ تیرماه از صبح خیلی زود قوای موتوریزه ارتش به‌مراه گروه زیادی سرباز و پلیس میدانها و خیابانهای اصلی شهر تهران را اشغال کردند. مغازه‌ها و کارگاهها در سراسر شهر بسته بودند. خطوط اتوبوسرانی و حتی تاکسیها

هم اعلامیه‌ای خطاب به افسران و سربازان صادر نمودند و کمیته‌ای نیز بنام «کمیته تمرکز مبارزات ملی» تشکیل دادند. این کمیته از مردم خواست که به تظاهرات و مبارزه ادامه دهند ولی از برخورد با نیروهای انتظامی خودداری کرده و از روشهای مبارزه منفی استفاده کنند. فرمانداری نظامی تهران نیز بر شدت عمل خود افزود از یکطرف عده زیادی از تظاهرکنندگان دستگیر شدند و از طرف دیگر آمد و رفت عموم از ساعت نه شب تا پنج صبح ممنوع

کفن پوهشان در کاروانسرا سنگی روز یکشنبه ۲۹ تیرماه بیشتر شهرها بخصوص تهران به حالت اشغال نظامی درآمد بود با وجود این هر لحظه بر دامنه تظاهرات مردم افزوده میشد. در تهران بازار و بیشتر مغازه‌های خیابانها بسته شد و خطوط اتوبوسرانی که بسوسپله شکرتهای خصوصی اداره میگردد از

روز یکشنبه ۲۹ تیرماه بیشتر شهرها بخصوص تهران به حالت اشغال نظامی درآمد بود با وجود این هر لحظه بر دامنه تظاهرات مردم افزوده میشد. در تهران بازار و بیشتر مغازه‌های خیابانها بسته شد و خطوط اتوبوسرانی که بسوسپله شکرتهای خصوصی اداره میگردد از

روز جمعه ۲۷ تیرماه در این روز فرمان نخست‌وزیری قوام صادر شد و نخستین کار او صدور اعلامیه‌ای بود که در شهر تهران پخش و بوسیله رادیو خوانده شد. قوام این اعلامیه را پس از شرح بر نامه خود با جمله‌های تهدیدآمیز زیر پایان داده بود «بگذارید با فراع بال

ملت چگونه پیروز شد

خیابانهای اکسباتان، شاهآباد، ناصر خسرو، بوذرجمهری، خیام مراکز اصلی جنگ قوای موتور یزه و مردم بی سلاح بود. کشتار بیرحمانه تا پاسی از ظهر

پیشاپیش آنها قرار گرفته بود قبل از همه بجلوی خانه پیشوای ملت رسید. در همین هنگام دکتر مصدق در حالی که عبائی بدوش داشت در بالکن خانه خود نمایان شد ولی به علت

نقص عضو شدند و شرکت در آن قیام بزرگ ضد استعماری را بگونه‌ای سند افتخار آمیزی تا پایان عمر برای خود حفظ کردند. عجب که تاریخ چگونه در زمانی



صحنه‌هایی از تشییع و خاکسپاری شهیدان سی تیر

نقل از شماره بیستوسوم اتحاد بزرگ

شامگاه سی تیر در میدان بهارستان

گذشته ادامه داشت ولی مردم دست از تظاهرات نمیکشیدند و در چند نقطه شهر با آتش زدن اتوموبیل‌های دولتی و انداختن تیرهای چراغ برق راه را بر تانکها و زرهپوش‌ها بستند و هر جا فرصت میافتند سربازان و یاسبانها را مورد حمله قرار میدادند و در یکی دو مورد هم افسران از اجرای دستور تیراندازی خودداری کردند که با استقبال گرم مردم روبرو شدند. بر شماره کشته شدگان هر لحظه افزوده میشد و اکثر بیمارستانها پر از زخمی بود. زیر آفتاب سوزان تیرماه مردم با وجود خستگی زیاد خود را برای تظاهرات جدید آماده میکردند. تعداد نمایندگان هواوار دکتتر مصدق به تدریج اضافه میشد و نزدیک ظهر به چهل تن رسیده بودند و بشدت برای جلوگیری از کشتار مردم فعالیت میکردند.

روز سه شنبه ۳۱ تیر ماه مردم پیرومندانه تظاهر میکردند و گروه کثیری برای بخاک سپردن شهیدان به «این بابویه» رفته بودند از پلیس و سرباز در شهر خبری نبود و ابستگان حزبها حفظ نظم شهر را مخصوص در مورد راهنمایی و رانندگی بعهده داشتند. مجلس شورای ملی تشکیل جلسه داد و با ۶۱ رای به نخستوزیری دکتر مصدق «ابراز تمایل» کرد و او بی درنگ اعلامیه‌ای صادر و ملت را به بردباری و آرامش دعوت کرد. آیت‌الله کاشانی و فراکسیون نهضت ملی هم در این زمینه اعلامیه‌هایی دادند.

بدیدگونه در طی چندروز پیکار خستگی‌ناپذیر و خونین ملت ایران توطئه بزرگی را خنثی کرد و بار دیگر دکتر مصدق رهبر نهضت ملی بر کرسی نخستوزیری جای گرفت و مجلس شورای ملی با تصویب قانون روز «سی تیر» را روز «قیام ملی» خواند. شمار واقعی شهیدان برغم تلاش دولت مصدق به دلیل آنکه جسد بسیاری از آن دلاوران به شیوه‌های ضد مردمی معدوم شده بود روشن نگردید. بسیاری از زخمیان نیز، دچار

کوتاه تکرار می‌شود. اگر لحظه‌ای چشم‌هایمان را فروبندیم و به آنچه همین چندماه پیش، یک یک ما شاهد و ناظرش بودیم بیندیشیم، به عظمت تلاش بی‌پای و بی‌امان ملتی که برای آزادی و استقلال، لحظه‌ای از پسی ننشسته، بی‌می‌بریم و می‌آموزیم، آنچه را که به بهای خون هزاران هزار زن و مرد ایرانی و در طول سالهای متعددی جنگ با استعمار و استبداد و ابسته به دست آورده‌ایم، آسان از کف ندهیم و برای حفظ دستاوردهای آن تلاش مقدس که چون سلسله زنجیری پدرانمان را به ما و ما را به فرزندانمان پیوند می‌دهد، هر بهانه‌ی کسودگانه‌ی را بگونه‌ی دشمنانه‌ی زهرآلود به دست دشمن نسپاریم...

زیرا که پس از پیروزی دست‌های خالی و سینه‌های عریان و دل‌های پرایمان بر گلوله مرگ‌زای دشمن، یعنی از سی تیر سال ۱۳۳۱ تا بیست‌وهشتم مرداد ۱۳۳۲ و حاکمیت کودتاچیان وابسته به استعمار فقط سیزده ماه فاصله بود و در طی آن سیزده ماه، استعمار و دست‌نشانندگان داخلی‌اش هیچ فرصتی را برای ایجاد تفرقه از دست ندادند و از کاربرد هیچ وسیله‌ی شرم‌آوری برای سرکوب نهضت ملی دریغ نکردند و مردمی را که چونان یک تن، یگانه، همدل، هم‌نوا و هم‌اندیشه بودند به بسیاریان پرگویی پرمدعا و کم‌کاری بدل کردند که ضربه‌ی مرگ را در بیست‌وهشتم مرداد تحمل نمودند و درست هنگامی که اعدام‌های صحرایی آغاز شد و زندان‌ها از آزادگان انباشته گردید، بخود آمدند که دیگر بسیار دیر بود و درست بیست‌وپنج سال توان آن را به بهای شکنجه و زندان و شهادت پرداختند هشدار که بار دیگر افسوس خطاهای امروز را چونان ماتمی عظیم بر دل‌هایمان هموار نکنیم... هشدار....

این مقاله از شماره ۸۶ روز یکشنبه ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱، روزنامه آیدانا ارگان حزب ملت ایران که در یکصد هزار نسخه، پنج بار چاپ و در میان خون و آتش پخش گردید، نقل شد است

گلوله . گلوله . گلوله . این است هدیه ملت ایران بقوام السلطنه

خیاانتکار و دزد
یکبار دیگر خنجر خیانت
هیئت حاکمه از نیام درآمد و
بر پشت ملت استعمار زده ایران
نشست، یکبار دیگر برده بر افتاد
و چهره گریه نوکران سفارت
آشکارا شد.

از روزیکه ملت ایران برای کسستن
زنجیر استعمار بی‌ساخت از روزی که
اکسلتان غارتگر در برابر رزمجویان
ایرانی زانو درآمد
هیئت حاکمه در کین نشست تاخر به
ناجوانمردانه خود را بر کرده ملت پرستان
زند واریاب را از گرداب مرگ و نیستی
رهای بشد.

سرانجام این روز شوم در
رسید و هیئت حاکمه بدنبال‌ماه
ها کار شکنی و دسیسه بازی آشکارا
به میدان مبارزه با مردم آمد و
دکتر مصدق را بزور و فشار از
کار برکنار ساخت
هیئت حاکمه با روی گسار آوردن
قوام السلطنه این نوکر نشاندار بیگانه
دشمنی بی‌چون و چرای خود را با خواست
های ملی نشان داد و بگمان خود بر توره
پیکار چندساله ملت ایران خط بطلان
کشید.

اما نوکران روسیاه سفارت،
دزدان جیره خوار بیگانه، هیئت
حاکمه خیاانتکار بداند چرخ
تاریخ با این خیمه شب بازیها
از کار نمی افتد و برق سرنیزه
در برابر نور حقیقت جلوه‌گری
نمیکند.

ملت ایران فرمان این و آن از داء
خود باز نگردد و در برابر حکومت کینه
نورگری چون قوام السلطنه نمی‌رود.
مردمی که در راه کوبیدن بیگانه
هزبور و ورز آرا ما را بگورستان فرستاده
مردمی که با طوری زور مند
اکسلتان را بلرزه در آورده هنوز آماده
جانباری و فدا کاری هستند ..

این غلام آنچه در بار محمد
عایشاه که هنوز خواب آرزوها
را می بینند و به ملت توپ و تشر
می‌زند، این کهنه دزد سالوسی

های انگلیسی نه بیند
حزب مات ایران بر نیادبان
ایرانیسم، حزب پرافتخاریکه از
آغاز دستاخیز ملی کردن نفت
همه جا پیشگام رزمجسویان ضد
استعمار اوده... با صدای بلند
اعلام میکند که در این مرحله
مبارزاتی هیچکس شایسته‌تر از
دکتر مصدق برای نخست‌وزیری
نیست و بهیچوجه زیر بار حکومت
سیاه قوام السلطنه نخواهد
رفت.

بقیه در صفحه ۱۰

